

تبیین نگرش دانشجویان به مصرف الکل از دیدگاه نظریه انتخاب عقلانی

مطالعه موردی: دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

اکبر علیوردی نیا^۱

سمیه میرزایی^۲

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۰/۳۰

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۲/۱۷

چکیده

در کشور، شواهدی مبنی بر شیوع مصرف الکل در میان جوانان و دانشگاهیان وجود دارد. هدف پژوهش حاضر، بررسی وضعیت نگرش دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران به مصرف الکل و تبیین این نگرش از دیدگاه نظریه انتخاب عقلانی است. روش این پژوهش پیمایشی، شیوه نمونه‌گیری در آن تصادفی طبقه‌ای متناسب و ابزار جمع‌آوری اطلاعات آن، پرسشنامه است و در آن، ۴۱۲ پرسشنامه تجزیه و تحلیل شد. داده‌های توصیفی تحقیق نشان می‌دهد ۵۵/۶ درصد از کل پاسخگویان نگرش مخالف، ۳۷/۱ درصد نگرش بینابین و ۷/۳ درصد نگرش موافق به مصرف مشروبات الکلی دارند. میانگین نگرش موافق به مصرف الکل و تمامی ابعاد آن، در مردان بیشتر از زنان است. مطابق نتایج، از میان هشت متغیر انتخاب عقلانی، چهار متغیر مجازات غیررسمی، نیاز منفعت‌گرایانه، باور و پیوستگی (به ترتیب به‌عنوان مهم‌ترین تبیین‌کنندگان) با نگرش به مصرف مشروبات الکلی و تمامی ابعاد آن ارتباط معنادار داشته‌اند. متغیرهای تحقیق ۷۱/۲ درصد از نوسانات متغیر نگرش به مصرف مشروبات الکلی را توضیح می‌دهند. ارائه مقیاس سنجش نگرش به مصرف مشروبات الکلی در میان دانشجویان و نیز عملیاتی‌سازی متغیرهای مستقل مبتنی بر نظریه انتخاب عقلانی متناسب با نگرش به مصرف مشروبات الکلی، از جمله دستاوردهای نظری این تحقیق است.

واژه‌های کلیدی: انتخاب عقلانی، انحرافات اجتماعی، دانشجویان، مصرف الکل، نگرش.

۱. استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)، aliverdinia@umz.ac.ir

۲. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه مازندران، smirzaee@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

به گزارش وزارت بهداشت و خدمات انسانی آمریکا (۲۰۰۷) مصرف الکل یکی از جدی‌ترین مشکلات بهداشت عمومی است که در کالج‌ها و دانشگاه‌های این کشور مشاهده می‌شود. به گزارش مرکز ملی اعتیاد و سوء مصرف مواد (ان‌سی‌ای‌اس‌ای^۱، ۲۰۰۷)، میزان مصرف الکل در میان دانشجویان آمریکایی، با اندکی بهبود طی ده سال اخیر، در حدود ۷۰ درصد باقی مانده است. این در حالی است که تعداد دانشجویانی که درگیر مصرف زیاده‌تر الکل‌اند و دانشجویانی که تا حد مست شدن می‌نوشند، به‌طور پیوسته افزایش یافته است (تامسون^۲ و همکاران، ۲۰۱۳). کراگیس و همکاران (۲۰۱۲) نیز با پیمایش آنلاین ۱۰۱۹ دانشجوی دانشگاه لیدز انگلستان نشان داده‌اند که ۷۰ درصد از دانشجویان حداقل یک بار مصرف الکل داشته‌اند و ۸۰ درصد از آنان در روزهای آخر هفته به سراغ مشروبات الکلی می‌روند.

نتایج حاصل از این نرخ بالای مصرف و سوء مصرف الکل میان دانشجویان، بسیار وسیع و متنوع است. از آن جمله می‌توان به خشونت، تجاوز جنسی، رفتار پرخطر و محافظت نشده جنسی، عملکرد ضعیف تحصیلی، وندالیسم و تلاش برای خودکشی اشاره کرد؛ بنابراین، واضح است که مهار میزان مصرف الکل و عواقب حاصل از آن، میان مسئولان و مدیران دانشگاه‌ها از اولویت بالایی برخوردار است (لوییس^۳ و همکاران، ۲۰۱۲: ۳۶۹).

در کشور ما نیز شواهدی مبنی بر شیوع مصرف الکل در میان جوانان و دانشگاهیان وجود دارد. سراج‌زاده و فیضی (۱۳۸۱) در پژوهشی پیمایشی با یک نمونه ۲۵۳۱ نفری از دانشجویان دختر و پسر ۲۱ دانشگاه دولتی، به بررسی مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی در میان دانشجویان دانشگاه‌های سراسر کشور پرداختند. مطابق یافته‌ها، به ترتیب ۲۰ درصد دانشجویان حداقل یک بار در طول عمر خود مشروبات الکلی مصرف کرده‌اند. تحقیق دیگری در مورد ۲۹۹۷ دانشجوی مقطع کارشناسی دانشگاه‌های تهران، امیرکبیر، علامه طباطبایی، هنر، علم و صنعت و تربیت معلم (۱۳۸۵) نشان داد که ۱۷ درصد آنان مصرف نوشیدنی‌های الکلی را تجربه کرده‌اند. یافته‌ها گویای شیوع نسبتاً کم مواد سنگین مانند حشیش، اکستاسی، تریاک، هروئین، کراک و شیشه و شیوع بالای مواد سبک مانند سیگار، قلیان و مشروبات الکلی بود (طارمیان و همکاران، ۱۳۸۶: ۳۳۶-۳۴۰). علاوه بر آن،

۱. NCASA :National Center on Addiction and Substance Abuse

۲. Thompson

۳. Lwis

مطالعات طالبان (۱۳۷۸)، سراجزاده و جواهری (۱۳۸۲) و رحیمی موقر و ایزدیان (۱۳۸۴) نشان داد در میان جوانان، صورت‌های تفریحی مصرف مشروبات الکلی بیش از سایر مواد مخدر است (سراجزاده و فیضی، ۱۳۸۶: ۸۲). این درحالی است که بسیاری از محققان معتقدند که مصرف تفریحی الکل باید رفتاری بیمارگونه تلقی شود؛ چراکه درنهایت، به مصرف مستمر الکل ختم می‌شود (سادارا^۱، ۱۹۷۸، به نقل از آقامحمدیان و طباطبایی، ۱۳۸۱). همچنین علیوردی‌نیا و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی درباره دانشجویان دانشگاه ارومیه نشان دادند ۲۸ درصد از پسران و ۸ درصد از دختران حداقل یک بار مشروبات الکلی مصرف کرده‌اند. در پژوهش دیگری در دانشگاه مازندران مشخص شد که ۴۵ درصد از پسران و ۱۹/۹ درصد از دختران دانشجوی، حداقل یک بار الکل مصرف کرده‌اند (علیوردی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۲). همچنین پژوهش مشابهی که در مورد نمونه‌ای متشکل از دانشجویان دانشگاه تهران و علامه طباطبایی انجام شده بود، نشان داد که ۲۸/۹ درصد از پسران و ۱۱/۸ درصد از دختران دانشجوی تا زمان انجام تحقیق، گاهی مشروبات الکلی مصرف کرده‌اند (علیوردی‌نیا و یونسی، ۱۳۹۳). تحقیقات اندکی نیز در سال‌های اخیر به منظور سنجش نگرش دانشجویان به مصرف الکل انجام شد؛ برای نمونه، علیوردی‌نیا و هم‌متی (۱۳۹۲) به این نتیجه رسیدند که ۳۹/۴ درصد از دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، گرایش اندکی به مصرف الکل دارند. این درحالی است که ۴۶/۸ درصد از آنان گرایش متوسط و ۱۳/۸ درصد نیز گرایش زیادی به مصرف الکل داشتند. تحقیق دیگری با نمونه آماری ۵۳۰ نفری از دانشجویان دانشگاه مازندران نشان داد ۴۸ درصد از دانشجویان نگرش موافق، ۴۲ درصد نگرش میانه و تنها حدود ۱۱ درصد نگرشی مخالف به مصرف الکل دارند (علیوردی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۲ الف).

نیروهای جوان تحصیل کرده در هر کشور، سرمایه‌های اصلی و آینده‌سازان قطعی آن کشور محسوب می‌شوند و رسیدن به توسعه پایدار، به کمک آنان میسر می‌شود؛ بنابراین، حفظ سلامت جسمی، روانی، اخلاقی و اجتماعی آنان، از وظایف و اهداف نهادهای اصلی جامعه است. علاوه بر این، میزان انتظار جامعه از دانشجویان و قشر تحصیل کرده در رعایت اصول و قوانین اخلاقی و اجتماعی، بالاتر از سایر اقشار اجتماعی است. از این رو و با توجه به نتایج پژوهش‌ها، لزوم آسیب‌شناسی و علت‌یابی شیوع مصرف الکل در میان جوانان به‌ویژه دانشجویان اهمیت بسیار دارد و دقت و سرعت عمل ویژه‌ای از سوی نهادهای مسئول، از منظرهای مختلف پزشکی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی می‌طلبد.

افزایش مصرف الکل در خارج از کشور به‌ویژه کشورهای غیراسلامی، دلایل متعددی دارد. سودآوری عظیم صنعت الکل، تبلیغات تجاری تحریک‌کننده فراوان، پذیرش اجتماعی، نبود منع قانونی و مذهبی به‌علاوه سهولت دسترسی همگانی به آن، از جمله عوامل افزایش مصرف الکل در خارج از کشور به‌شمار می‌روند (کلمن، ۱۳۷۹: ۳۵-۳۷)؛ درحالی‌که برخلاف فضای حاکم در خارج از کشور، مصرف مشروبات الکلی در ایران، علاوه‌بر اینکه آسیب‌های جسمی، روانی و اجتماعی فراوان دارد، به‌دلیل ساختار فرهنگی و مذهبی جامعه و نظام سیاسی و حقوقی کشور، از نظر عرفی رفتار انحرافی، از لحاظ قانونی جرم و از منظر شرعی گناه محسوب می‌شود؛ بنابراین، برای پی‌بردن به ابعاد این مسئله اجتماعی و تبیین آن نمی‌توان به الگوهای غربی اکتفا کرد.

برای حل یک معضل اجتماعی مانند مصرف الکل در میان دانشجویان باید چپستی، چگونگی و چرایی آن به‌خوبی شناخته شود. یکی از راه‌های این کار، بررسی نگرش دانشجویان به مصرف الکل است. می‌نارد^۱، نگرش را آمادگی روانی می‌داند که عبارت از آمادگی درونی یا به‌طور رسمی آمادگی برای انجام‌دادن عملی به‌نحوی خاص است (ساروخانی، ۱۳۷۰). آلپورت^۲ نیز معتقد است که نگرش رفتار نیست؛ بلکه پیش‌شرط رفتار است (نقل از ستاد مبارزه با مواد مخدر، ۱۳۸۴: ۳۵). از نظر بوتوین^۳، احتمال مصرف و گرایش به مواد در افرادی که نگرش مثبت یا خنثی نسبت به مواد دارند، به‌مراتب بیشتر است. مصرف هر نوع ماده‌ای، زمانی آغاز می‌شود که نظر و رویکرد مثبتی درمورد مصرف آن وجود داشته باشد. درواقع، نگرش و باورهای مثبت به مواد، تسهیل‌کننده زمان شروع مصرف است (کاوسیان و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۸۶).

از این‌رو، با بررسی نگرش دانشجویان به مصرف الکل می‌توان رفتار و میزان آمادگی برای رفتار را پیش‌بینی کرد و با بررسی چگونگی شکل‌گیری نگرش، گامی درجهت شناخت و تبیین آن برداشت. این شناخت، زمینه‌ای مناسب در تنظیم راهکارهای پیشگیرانه، بر مبنای شناسایی عوامل شکل‌دهنده نگرش دانشجویان به الکل و چگونگی تغییر آن، به‌منظور کاهش مصرف الکل فراهم می‌آورد. با توجه به آنچه گفته شد، هدف پژوهش حاضر بررسی وضعیت نگرش دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران به مصرف الکل است. افزون بر آن، این پژوهش به‌دنبال

۱. Meynard

۲. Allport

۳. Botvin

بررسی جامعه‌شناختی رابطه میان متغیرهای مبتنی بر انتخاب عقلانی با نگرش دانشجویان این دانشکده به مصرف الکل و تبیین این نگرش از دیدگاه نظریه انتخاب عقلانی است.

با توجه به اهداف پژوهش، پرسش‌های آن به صورت زیر است:

- نگرش دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران به مصرف الکل چگونه است؟
- آیا تفاوت معناداری میان نوع نگرش دانشجویان با توجه به جنسیت آنان وجود دارد؟
- آیا می‌توان نوع نگرش دانشجویان به مصرف الکل را در پرتو نظریه انتخاب عقلانی تبیین کرد؟

پیشینه پژوهش

تعداد بسیاری از مطالعات خارج از کشور، به تبیین انواع رفتارهای انحرافی با رویکرد جرم‌شناختی و جامعه‌شناختی و از منظر نظریه انتخاب عقلانی پرداخته‌اند که از میان آن‌ها می‌توان به تحقیقات پیلاوین^۱ و همکاران (۱۹۸۶)، پاترنوستر^۲ (۱۹۸۹)، اگنیو^۳ (۱۹۹۰)، بچمن^۴ و همکاران (۱۹۹۲)، نیگین^۵ و پاترنوستر (۱۹۹۳)، تیبس^۶ (۱۹۹۷)، تیبس و میرز^۷ (۱۹۹۹)، بکر و ملکوپ^۸ (۲۰۰۶)، بوفارد^۹ (۲۰۰۷)، سانگ و ریچر^{۱۰} (۲۰۰۷)، پاترنوستر و پوگارسکی^{۱۱} (۲۰۰۹)، بیکر و پی‌کیورو^{۱۲} (۲۰۱۰)، ملکوپ و گراف^{۱۳} (۲۰۱۰)، میسون و مانک ترنر^{۱۴} (۲۰۱۰)، سیپل و ایفلر^{۱۵} (۲۰۱۰)، میمن^{۱۶} و همکاران (۲۰۱۲)، برکز^{۱۷} و همکاران (۲۰۱۴) و هالت^{۱۸} و همکاران (۲۰۱۴) اشاره کرد. در میان تحقیقات داخلی در زمینه مصرف الکل یا نگرش به مصرف الکل، برای نمونه،

۱. Piliavin
۲. Paternoster
۳. Agnew
۴. Bachman
۵. Nagin
۶. Tibbets
۷. Myers
۸. Becker & Mehlkop
۹. Bouffard
۱۰. Sung & Richter
۱۱. Pogarsky
۱۲. Baker & Piquero
۱۳. Graeff
۱۴. Mason & Monk-Turner
۱۵. seipel & eifler
۱۶. Maimon
۱۷. Birks
۱۸. Holt

پژوهش‌های سراج‌زاده و فیضی (۱۳۸۶)، طارمیان و همکاران (۱۳۸۶)، سهرابی و همکاران (۱۳۸۷)، شیخی‌فینی و همکاران (۱۳۸۹)، علیوردی‌نیا و همکاران (۱۳۹۰، ۱۳۹۲، ۱۳۹۲الف)، کاوسیان و همکاران (۱۳۹۰)، صرامی و همکاران (۱۳۹۲)، طارمیان و همکاران (۱۳۹۲)، علیوردی‌نیا و همتی (۱۳۹۲)، و علیوردی‌نیا و یونسی (۱۳۹۳) قابل توجه است.

مطالعات انجام‌شده در داخل کشور، بیشتر مربوط به تحقیقات دهه اخیر است. جز موارد اندکی، بیشتر این تحقیقات در مورد دانشجویان دانشگاه‌های دولتی انجام شده است. همچنین به‌استثنای چند پژوهش با نمونه‌هایی از کل کشور، بیشترین پژوهش‌ها در شهر تهران صورت گرفته است. علی‌رغم پژوهش‌های گسترده در خارج از کشور درباره مسائل مربوط به الکل، بیشتر پژوهش‌های انجام‌شده درباره الکل در داخل کشور، زیرمجموعه موضوع مصرف یا سوء مصرف مواد است. همچنین در ایران پژوهش‌های اندکی در زمینه بررسی مصرف یا نگرش به الکل از منظر جامعه‌شناختی انجام گرفته است و قسمت عمده‌ای از این تحقیقات، با رویکردهای دیگری مانند پزشکی، زیستی و روان‌شناختی به این مسئله پرداخته‌اند. افزون بر این، بیشتر این پژوهش‌ها توصیفی‌اند و نداشتن چارچوب نظری و وجود ضعف‌های روش‌شناختی، از مصادیق بارز بسیاری از آن‌هاست.

در پژوهش‌های داخلی، محققان به دنبال تبیین علی پدیده مصرف یا نگرش به الکل، عوامل مؤثر را مواردی مانند اضطراب، کسب لذت، کنجکاوی، تسکین دردهای جسمانی، ضعف در باورهای دینی، نابسامانی، ناامیدی از آینده تحصیلی و شغلی، کمبود مهارت‌های اجتماعی و فردی، نوع نگرش مذهبی، پرخاشگری، نگرش به مصرف مواد، میزان آموزش رفتارهای سالم و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی به‌ویژه جنسیت یافتند. چارچوب نظری در پژوهش‌های داخلی که با رویکرد جامعه‌شناسانه به مسئله مصرف الکل پرداخته‌اند، شامل نظریه خودکنترلی و انتخاب عقلانی است. در زمینه نگرش به مصرف الکل، پژوهش‌ها بر پایه نظریه برجسب‌زنی، نظریه عمومی جرم گانفردسون و هیرشی، نظریه فشار عمومی اگنو و پیوند اجتماعی هیرشی انجام شده است. با وجود این، تحقیقی در داخل کشور در زمینه نگرش دانشجویان به مصرف الکل از دیدگاه نظریه انتخاب عقلانی یافت نشد.

در مطالعات خارجی، چارچوب نظری پژوهش‌ها را نظریه انتخاب عقلانی، به‌تنهایی یا همراه با ترکیبی از یک یا چند نظریه مانند نظریه‌های بازدارندگی، فعالیت روزمره، خودکنترلی، نسخه جدید فشار، نظریه خرده‌فرهنگ انحرافی و... تشکیل داده است که در این میان، نظریه بازدارندگی و

سپس فعالیت روزمره، جایگاه اول را در همراهی با نظریه انتخاب عقلانی به خود اختصاص داده‌اند. متغیر وابسته را در این پژوهش‌ها، مجموعه‌ای شامل ارتکاب یا نگرش به یک یا چند رفتار انحرافی مانند تجاوز جنسی، سرقت، تقلب، فرار از مالیات، وندالیسم، خشونت، نزاع و درگیری فیزیکی، مصرف مواد، رانندگی در حالت مستی و... تشکیل داده است. همچنین متغیر مستقل، مواردی را از مجموعه‌ای شامل شدت و قطعیت مجازات رسمی و غیررسمی ادراک شده، پاداش ادراک شده، فرصت، خودکنترلی، باورهای اخلاقی، انواع شرمساری، لذت ادراک شده، هیجان‌ها، پیوستگی و طبقه اجتماعی شامل می‌شود. در مجموع، در بخش تحقیقات خارجی، اگرچه پژوهش‌های فراوانی در آزمایش نظریه انتخاب عقلانی وجود دارد که متغیر وابسته در آن‌ها، انواع جرم و رفتارهای انحرافی مانند تقلب، سرقت، جرائم جنسی، خشونت، سرقت از منازل و... را شامل می‌شود، پژوهشی که در آن متغیر وابسته، نگرش به مصرف الکل باشد و این مسئله را در میان دانشجویان بررسی کند، یافت نشد.

چارچوب نظری پژوهش

در این پژوهش، به منظور بررسی نگرش دانشجویان به مصرف الکل، از نظریه انتخاب عقلانی استفاده می‌شود. نظریه انتخاب عقلانی، ریشه در مکتب کلاسیک جرم‌شناسی دارد که آن را متفکر اجتماعی ایتالیایی سزار بکاریا ارائه کرده است (سیگل، ۲۰۰۸: ۹۶). نظریه انتخاب عقلانی، بیشتر به وسیله کرنیش^۱ و کلارک^۲ (۱۹۸۶؛ ۱۹۸۷) شناخته می‌شود و بسیاری از جرم‌شناسان از جمله هیرشی (۱۹۸۶)، دست‌کم بخشی از این دیدگاه را پذیرفته‌اند. در این نظریه، تشریح انگیزه مجرم برای ارتکاب جرم، به عنوان تلاشی برای رفع نیازهای عادی تلقی می‌شود. این عقلانیت فرایند تصمیم‌گیری است که فرصت‌ها را برای رفع نیازها، هزینه‌های بالقوه عمل و سودهای پیش‌بینی شده تعیین می‌کند. البته مسئله عقلانیت کامل در این دیدگاه مورد نظر نیست و مجرم در تصمیم‌گیری‌اش به عنوان فردی پیچیده تلقی نمی‌شود. اطلاعات کافی یا دقیق نیز ضروری نیست؛ بنابراین، دقیق‌تر آن است که بگوییم مجرم دارای عقلانیتی محدود است (ویلیامز و مک‌شین، ۱۳۹۱: ۲۴۶).

نسخه معاصر نظریه انتخاب عقلانی، تصمیم به ارتکاب جرم را فرایندی می‌بیند که به وسیله احساسات و تفکر انسان شکل گرفته است. البته این نسخه جدید، تأثیر عوامل دیگر از جمله

۱. Cornish

۲. Clarke

روابط اجتماعی، خصوصیات و قابلیت‌های فردی، و ویژگی‌های زیست‌محیطی را نیز بر تصمیم‌گیری‌های جنایی به رسمیت می‌شناسد و بنابراین، فرض می‌کند که رفتار انسان هم عمدی و هم معین^۱ است (وارد^۲ و همکاران، ۲۰۰۶).

تصمیم به ارتکاب جرم، براساس بهره‌آسان و خطر پایین صورت می‌گیرد. تصمیم به چشم‌پوشی از جرم نیز زمانی رخ می‌دهد که مجرم بالقوه معتقد است که خطرهای پاداش‌ها بیشتر است. در واقع، این چشم‌پوشی در صورتی اتفاق می‌افتد که فرد پس از یک ارزیابی دقیق از شرایط نتیجه بگیرد که به احتمال زیاد گرفتار و مجازات می‌شود، ممکن است احترام همسالان خود را از دست بدهد، به خوش‌نامی‌اش آسیب برسد و نیز احتمال آن وجود دارد که احساس گناه یا شرم کند (بوفارد، ۲۰۰۷). ارتکاب جرم برای این افراد، هزینه‌هایی اخلاقی (یعنی ارزش‌های پیوندخورده به تربیت فرد، به‌ویژه عوامل خانوادگی) را دربردارد (وینفری، ۱۳۸۸: ۷۳) و خطر دستگیری در آن، بیشتر از سود یا لذت ارتکاب جرم است (سیگل، ۲۰۰۸: ۹۸). افرادی که تصمیم می‌گیرند در جرم مشارکت کنند، احتمال دستگیری (براساس تجربیات گذشته‌شان)، پاداش روانی ذهنی جرم، هیجان و موقعیت اجتماعی حاصل از جرم، و فرصت‌های ادراک‌شده برای کسب آسان منافع را سبک و سنگین می‌کنند. اگر پاداش‌ها بزرگ، خطر ادراک‌شده کم، و شور و هیجان زیاد باشد، احتمال ارتکاب جرم افزایش می‌یابد (ماتسودا^۳ و همکاران، ۲۰۰۶).

با توجه به آنچه ذکر شد ممکن است این سؤال مطرح شود که آیا مصرف مواد عقلانی است. تحقیقات نشان می‌دهد که شروع استفاده از مواد، با تصمیم‌گیری منطقی کنترل می‌شود؛ برای مثال، کاربران گزارش داده‌اند که زمانی که به این باور رسیده‌اند که مزایای استفاده از مواد بیشتر از هزینه‌های آن است، شروع به مصرف مواد مخدر کرده‌اند؛ برای نمونه، آن‌ها بر این باورند که مواد مخدر تجربه‌ای سرگرم‌کننده، جالب و هیجان‌انگیز را فراهم می‌سازد (سیگل، ۲۰۰۸: ۱۰۳). همچنین با این ادراک که دوستان و اعضای خانواده‌ای که برایشان ارزشمندند، مصرف و سوءمصرف مواد مخدر را حمایت و تشویق می‌کنند، گرایش آن‌ها به سوءمصرف مواد تسهیل می‌شود (پترتیس^۴ و همکاران، ۱۹۹۵).

۱. determined

۲. Ward

۳. Matsueda

۴. Petraitis

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به ادبیات نظری و تجربی موضوع تحقیق، فرضیه‌های پژوهش حاضر به قرار زیر است:

۱. نگرش موافق دانشجویان به مصرف الکل، تابعی منفی از پیوستگی است.
۲. نگرش موافق دانشجویان به مصرف الکل، تابعی منفی از سرمایه‌گذاری است.
۳. نگرش موافق دانشجویان به مصرف الکل، تابعی مثبت از فرصت است.
۴. نگرش موافق دانشجویان به مصرف الکل، تابعی منفی از مجازات غیررسمی است.
۵. نگرش موافق دانشجویان به مصرف الکل، تابعی منفی از مجازات رسمی است.
۶. نگرش موافق دانشجویان به مصرف الکل، تابعی منفی از باورهای اخلاقی است.
۷. نگرش موافق دانشجویان به مصرف الکل، تابعی منفی از خودکنترلی است.
۸. نگرش موافق دانشجویان به مصرف الکل، تابعی مثبت از نیازهای منفعت‌گرایانه است.

روش شناسی پژوهش

روش این پژوهش به اقتضای ماهیت، پیمایشی و مقطعی است و در آن، برای جمع‌آوری اطلاعات، از پرسشنامه و تکنیک خودگزارشی بهره گرفته شده است. واحد تحلیل در این پژوهش، فرد (دانشجو) و سطح تحلیل خرد است. جمعیت تحقیق شامل تمامی دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۴ است. از آنجاکه دانشگاه‌های طراز اول در تهران، ترکیب قابل توجهی از دانشجویان بومی و غیربومی فراهم می‌کنند، به منظور انجام‌دادن سنجشی گویاتر، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران به‌عنوان نمونه انتخاب شد. با توجه به برآورد دواس از حجم نمونه به‌وسیله ویژگی‌هایی مانند همگنی جمعیت و میزان خطای نمونه‌گیری ۵ درصد، نمونه‌ای با حجم ۴۰۰ نفر برای جمع‌آوری اطلاعات مناسب تشخیص داده شد (دواس، ۱۳۹۳: ۹۷)؛ بنابراین، ۴۵۰ پرسشنامه در میان دانشجویان توزیع شد که از این تعداد، با احتساب پرسشنامه‌های مفقود و کنارنهادن پرسشنامه‌های مخدوش و غیرقابل استفاده، درنهایت ۴۱۲ پرسشنامه سالم (از ۴۰۹ پاسخگوی مرد و ۴۰۳ پاسخگوی زن) تجزیه و تحلیل شد. نمونه‌گیری در این پژوهش به شیوه تصادفی طبقه‌ای متناسب انجام گرفت. به‌منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS، روش‌های آماری توصیفی، آزمون‌های مقایسه میانگین شامل آزمون t و تحلیل واریانس یک‌طرفه F ، و رگرسیون چندمتغیره با توجه به سطح سنجش متغیرها به‌کار رفت. همچنین برای کسب اطلاع از اعتبار مقیاس‌های تحقیق، از روش‌های اعتبار سازه و محتوا استفاده شد. بدین منظور، پس از طراحی پرسشنامه

براساس پیشینه نظری و تجربی، حاصل کار در اختیار صاحب نظران و کارشناسان قرار گرفت و پس از لحاظ کردن دیدگاه‌های اصلاحی تأیید شد؛ بنابراین، می‌توان گفت که ابزار سنجش، اعتبار صوری و محتوایی کافی را دارد. همچنین در اعتبار سازه، اگر مفهوم، مقیاس یا سازه تحقیق، روابط یا جهت‌های پیش‌بینی‌شده در تحقیقات پیشین را نشان دهد، براساس اعتبار سازه، آن مفهوم و مقیاس مورد نظر دارای اعتبار است (دواس، ۱۳۹۳: ۶۴). در این پژوهش نیز براساس آزمون مقایسه میانگین میان دو گروه مردان و زنان، مشاهده شد که میانگین نگرش مثبت به مصرف الکل در مردان به‌طور معناداری ($sig = 0/000$) بیشتر از زنان است. این یافته، با تحقیق شیخی‌فینی و همکاران (۱۳۸۹)، علی‌وردی‌نیا و همکاران (۱۳۹۲ الف) و علی‌وردی‌نیا و همتی (۱۳۹۲) هماهنگ است که در آن‌ها، مردان در مقایسه با زنان، نگرش مثبت‌تری به مصرف مشروبات الکلی دارند. براین اساس، مقیاس مورد استفاده دارای اعتبار سازه است. علاوه بر این، به‌منظور انتخاب بهترین گویه‌ها و بررسی اینکه آیا گویه‌ها واقعاً به مقیاس تعلق دارند یا خیر، از روش تحلیل گویه استفاده شده است. بدین صورت که با استفاده از آزمون تک‌بعدی بودن و بررسی تجانس یک مقیاس، اطمینان حاصل می‌شود که تمامی گویه‌های هر مقیاس، مفهوم بنیادین یکسانی را می‌سنجند. برای سنجش پایایی ابزار تحقیق نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده که نتایج به‌دست آمده در جدول زیر آمده است.

جدول ۱. ضرایب آلفای متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ
نگرش به مصرف مشروبات الکلی	۲۷	۰/۹۶۶
پیوستگی	۱۲	۰/۸۶۵
سرمایه‌گذاری	۸	۰/۷۲۶
فرصت	۸	۰/۶۴۴
مجازات غیررسمی	۱۱	۰/۹۴۶
مجازات رسمی	۸	۰/۸۷۵
باورهای اخلاقی	۸	۰/۷۵۷
خودکنترلی	۶	۰/۶۰۵
نیاز منفعت‌گرایانه	۱۰	۰/۹۶۲

تصریح مفاهیم و سنجش متغیرها

در این تحقیق، در مجموع از نه مفهوم اصلی استفاده شد. پیوستگی، سرمایه‌گذاری، فرصت، مجازات غیررسمی، مجازات رسمی، باورهای اخلاقی، خودکنترلی و نیاز منفعت‌گرایانه به عنوان متغیرهای مستقل، و نگرش به مصرف مشروبات الکلی به عنوان متغیر وابسته شناخته شدند. در ادامه، پس از تعریف مفهومی این اصطلاحات، مفاهیم ذکر شده عملیاتی می‌شوند.

پیوستگی^۱ (پیوندهای عاطفی)^۲: میزان پیوندی است که فرد با دیگر افراد مهم (والدین، دوستان و مدل‌های نقش) یا با نهادها دارد (پاترنوستر، ۱۹۸۹؛ ویلیامز و مک‌شین، ۱۳۹۱؛ علیوردی‌نیا، ۱۳۹۰). برای این مفهوم برمبنای پژوهش‌های موجود، سه بعد پیوستگی به خانواده، پیوستگی به مذهب و پیوستگی به معلم در نظر گرفته شده و در مجموع از دوازده گویه در قالب طیف لیکرت، برای سنجش و اندازه‌گیری این مفهوم استفاده شده است. بازه پاسخ‌ها از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم است. گویه‌هایی مانند «از زندگی در کنار خانواده‌ام لذت می‌برم»، «در هنگام سختی‌ها با دعا و طلب کمک از خداوند احساس آرامش می‌کنم» و «به‌طور کلی استادان خود را دوست دارم» از این جمله‌اند.

سرمایه‌گذاری^۳ (ملاحظات مادی)^۴: در دیدگاه انتخاب عقلانی، مجرمان، هزینه‌های مادی تصمیم‌گیری‌های خلافکارانه را چه واقعی و چه در قالب انتظارات تقلیل یافته و فرصت‌های ازدست‌رفته در نظر می‌گیرند (پاترنوستر، ۱۹۸۹). از این‌رو، سرمایه‌گذاری اشکالی مانند میزان تحصیلات، آرزوها و توقعات آموزشی، جهت‌گیری پیشرفت، رسیدن به جایگاه مورد انتظار، دستیابی به شهرت خوب یا شروع یک کار تجاری را شامل می‌شود (ویلیامز و مک‌شین، ۱۳۹۱). برای عملیاتی‌سازی این متغیر، دو بعد واقعی و ادراکی در نظر گرفته شده است که در قالب طیف لیکرت، با مجموع هشت گویه و با بازه پاسخ کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم سنجیده شده است. از این میان می‌توان به گویه‌های «معدل کل نمرات شما تاکنون چند است» و «فکر می‌کنم که حتماً به اهداف و آرزوهای تحصیلی‌ام (مانند تحصیلات در مقاطع بالاتر و مهارت‌های لازم) دست پیدا خواهم کرد» اشاره کرد.

فرصت^۵: کورنیش و کلارک فرصت را موقعیتی در نظر می‌گیرند که در آن، انجام‌دادن عمل انحرافی امکان‌پذیر می‌شود (سپیل و ایفلر، ۲۰۱۰). برای این متغیر برمبنای تحقیقات موجود، سه

۱. Attachment

۲. Affective Ties

۳. Investment

۴. Material Considerations

۵. Opportunities

بعد رسمی، غیررسمی و واقعی در نظر گرفته شده که به صورت طیف لیکرت در قالب هشت گویه طراحی شده است؛ برای مثال، می‌توان گویه‌های «مراجع انتظامی بر خارج از محیط دانشگاه، برای جلوگیری از مصرف الکل نظارت شدیدی دارند»، «خانواده‌ام می‌دانند هنگامی که خارج از منزل هستم با چه کسانی معاشرت می‌کنم» و «هروقت بخوام می‌توانم مشروبات الکلی تهیه کنم» را نام برد. همچنین پاسخ‌ها نیز به شکل کاملاً موافقم، موافقم، نظری ندارم، مخالفم و کاملاً مخالفم در نظر گرفته شده است.

مجازات غیررسمی^۱: همنس^۲ و والش^۳ (۲۰۰۸) مجازات غیررسمی را فرایندی تعریف کرده‌اند که ضمانت اجرایی قانونی ندارد و به تضعیف یا حذف رفتارهای مورد نظر منجر می‌شود (علیوردی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰). بر مبنای پژوهش‌های پیشین، برای این مفهوم دو بعد قطعیت و شدت ادراک‌شده در نظر گرفته شده و به شکل طیف لیکرت، در قالب یازده گویه با بازه پاسخ کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم عملیاتی شده است. از میان گویه‌ها می‌توان به گویه‌های «در صورت نوشیدن الکل احساس گناه می‌کنم»، «اگر روزی خانواده‌ام متوجه شوند که مشروبات الکلی مصرف کرده‌ام، بسیار دلخور و ناراحت می‌شوند» و «اگر روزی خانواده‌ام مرا به دلیل مصرف مشروبات الکلی از خود طرد کند، در زندگی بسیار دچار مشکل می‌شوم» اشاره کرد.

مجازات رسمی^۴: مجازات رسمی فرایندی است که ضمانت اجرایی قانونی دارد و به تضعیف یا حذف رفتارهای مورد نظر منجر می‌شود (همنس و والش، ۲۰۰۸؛ علیوردی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰). بر مبنای پیشینه نظری و تجربی، برای این مفهوم دو بعد قطعیت و شدت ادراک‌شده در نظر گرفته شده و در مجموع، در قالب هشت گویه و به صورت طیف لیکرت عملیاتی شده است. پاسخ‌ها نیز به صورت کاملاً موافقم، موافقم، نظری ندارم، مخالفم و کاملاً مخالفم آمده است. از مجموع گویه‌ها می‌توان گویه‌های «اگر مشروبات الکلی مصرف کنم، توسط حراست دانشگاه جلب یا تعلیق می‌شوم» و «اگر به دلیل مصرف مشروبات الکلی توسط حراست دانشگاه جلب یا تعلیق شوم، زندگی‌ام دچار دردسر بزرگی می‌شود» را برشمرد.

۱. Informal Punishment

۲. Hemmens

۳. Walsh

۴. Formal Punishment

باورهای اخلاقی:^۱ باور در واقع نوعی قردردانی از قواعد جامعه به دلیل عادلانه بودن آنهاست. به این معنا که فرد به آن قواعد و هنجارها احترام می‌گذارد و در برابر آنها از نظر اخلاقی احساس تعهد می‌کند (ویلیامز و مک‌شین، ۱۳۹۱: ۲۱۰). این مفهوم بر پایه پیشینه نظری و تجربی به صورت طیف لیکرت و با هشت گویه عملیاتی شده است. پاسخ‌ها نیز در بازه کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم قرار می‌گیرد. از میان گویه‌ها می‌توان به گویه‌های «اگر پلیس بر سر چهارراه نباشد، عبورکردن از چراغ قرمز اشکالی ندارد»، «باید به حقوق دیگران احترام گذاشت» و «اگر کسی کیف پولی را پیدا کند، می‌تواند آن را برای خودش بردارد» اشاره کرد.

خودکنترلی:^۲ گاتفردسون و هیرشی خودکنترلی را گرایش افراد به خودداری از انجام دادن عمل مجرمانه می‌دانند، هنگامی که شرایط ارتکاب آن برایشان مهیا باشد. در این پژوهش، برای جلوگیری از طولانی شدن پاسخنامه، از کوتاه‌شده مقیاس ۲۴ گویه‌ای گراسمیک و همکاران (۱۹۹۳) با شش گویه استفاده شده است (آنتونچو، ۲۰۰۸: ۱۵۸). پاسخ‌ها نیز در بازه کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم قرار می‌گیرد. گویه‌هایی از قبیل «من اغلب ناگهانی و بدون مقدمه عمل می‌کنم، بدون اینکه از قبل به نتیجه کارم فکر کرده باشم»، «من اغلب سعی می‌کنم که به دنبال کارهای سخت نرم» و «هنگامی که با فردی اختلاف نظر جدی دارم، اغلب برایم سخت است که با آرامش و بدون آنکه عصبانی شوم، درباره اختلاف نظرمان با او صحبت کنم» از جمله گویه‌هایی هستند که برای سنجش خودکنترلی به کار رفته‌اند.

نیاز منفعت‌گرایانه:^۳ احساس فقدان یا حرمانی است که درخصوص نیازها و امیال فرد به او دست می‌دهد؛ چراکه در مسیر رسیدن به اهدافش حس می‌کند نیازهایش برآورده نشده‌اند. این احساس، تمایل به هر آنچه امکان ارضای نیاز را فراهم می‌کند، برمی‌انگیزد (بیرو، ۱۳۷۰). باید توجه داشت که منافع جرم فقط اقتصادی نیستند و فرد ممکن است به خاطر صرفه‌جویی در زمان و انرژی، یک تجربه روان‌شناختی مثبت مانند لذت یا هیجان یا به دست آوردن چیزی که نیاز دارد، مرتکب جرم شود، مانند جایی برای خواب، پول، یک شیء خاص یا هر چیز دیگری (اگنیو، ۱۹۹۰: ۲۷۴-۲۷۹). در این پژوهش، برای سنجش این متغیر براساس پیشینه نظری و تجربی، دو بعد نیاز اجتماعی و روانی در قالب طیف لیکرت متشکل از ده گویه در نظر گرفته شده است که

۱. Moral Beliefs

۲. Self-Control

۳. Antonaccio

۴. Utilitarian Need

پاسخ‌ها نیز به صورت کاملاً موافقم، موافقم، بی‌نظر، مخالفم و کاملاً مخالفم است؛ برای مثال، گویه‌هایی مانند «به خاطر اینکه دوستانم مرا تأیید کنند، مشروبات الکلی مصرف می‌کنم»، «به خاطر اینکه می‌خواهم مورد علاقه دوستانم باشم، مشروبات الکلی مصرف می‌کنم»، «مشروبات الکلی را برای سرگرمی و انبساط‌خاطر مصرف می‌کنم» و «از مصرف مشروبات الکلی بسیار لذت می‌برم» برای عملیاتی‌سازی این متغیر به کار رفته است.

نگرش به مصرف مشروبات الکلی: در تعریف فریدمن و همکاران (۱۹۷۰) نگرش، نظام بادوامی است که شامل یک عنصر شناختی، یک عنصر احساسی و یک عنصر تمایل به عمل (رفتاری) می‌شود. این تعریف سه‌عنصری از نگرش، مورد توافق بیشتر صاحب‌نظران است (کریمی، ۱۳۹۰). براین اساس، نگرش به مصرف مشروبات الکلی، نظام بادوامی از شناخت‌ها، اعتقادات و باورها درباره مصرف الکل است که با احساسات و عواطف مرتبط با آن شناخت‌ها و باورها گره خورده است و فرد را برای پاسخگویی به شکلی خاص در برابر مصرف الکل آماده می‌سازد.

در این پژوهش، به منظور عملیاتی‌سازی این مفهوم، از مقیاس نگرش به الکل علی‌وردی‌نیا و هم‌متی (۱۳۹۲) استفاده شد که بر مبنای مقیاس نگرش به مصرف الکل پری^۱ (۱۹۷۳) ساخته و بومی‌سازی شده بود. با وجود این، آن مقیاس نیز نیازمند تغییراتی بود تا مفاهیم مربوط به عناصر سه‌گانه نگرش به صورت کامل‌تر و جامع‌تر پوشش یابد. براین اساس، نگرش به مصرف مشروبات الکلی شامل سه بعد شناختی، عاطفی و رفتاری است و فرایند عملیاتی‌سازی آن در مجموع با ۲۷ گویه در جدول ۲ آمده است. مقیاس به صورت طیف لیکرت و پاسخ‌ها شامل ۱. کاملاً موافقم، ۲. موافقم، ۳. نظری ندارم، ۴. مخالفم و ۵. کاملاً مخالفم است؛ برخی از گویه‌ها عبارت‌اند از: گویه‌ها شامل «اگر بابت خرید مشروبات الکلی پول دهم، سرمایه خود را دور ریخته‌ام»، «به‌طور کلی از افرادی که مشروبات الکلی مصرف می‌کنند، خوشم می‌آید» و «حاضریم با دوستانم مشروبات الکلی صرف کنیم».

جدول ۲. عملیاتی‌سازی متغیر نگرش به مصرف مشروبات الکلی

متغیر بعد	مؤلفه	معرف
$\begin{pmatrix} 1 \\ 2 \\ 3 \\ 4 \\ 5 \end{pmatrix}$	مضرات الکل	هدردادن سرمایه
		خطر مصرف الکل

از دست دادن کنترل رفتار		
صدمه به افراد و ایجاد بیماری	بیماری و اعتیاد	
اعتیاد آور بودن الکل		
هیجان انگیز بودن		
افزایش شادی	ایجاد حالت های عاطفی مثبت	عقلی
لذت بخش بودن		
احساس بلوغ		
کاهش خشم و ناراحتی		
کاهش اندوه	کاهش حالت های عاطفی منفی	
کاهش فشار روانی		



ادامه جدول ۲. عملیاتی سازی متغیر نگرش به مصرف مشروبات الکلی

متغیر بعد	مؤلفه	معرف
	علاقه مندی و بی‌علاقگی	احساس منفی به مصرف مشروبات الکلی
		دوست داشتن مصرف الکل
		معاشرت با فرد الکلی
		هم‌اتاقی بودن با فرد الکلی
ارتباط با مصرف‌کنندگان مشروبات الکلی		مسافرت رفتن با فرد الکلی
		معامله کردن با فرد الکلی
		زندگی کردن با همسر الکلی
آمادگی برای مصرف الکل		مصرف الکل در تنهایی
		مصرف الکل با دوستان
		مصرف الکل در جشن‌ها و مراسم
		مصرف الکل در خوابگاه یا خانه

۳
۲
۱

یافته‌های پژوهش

مطابق یافته‌ها، از مجموع ۴۱۲ نفر پاسخگوی نهایی، ۲۰۹ نفر (۵۰/۷ درصد) مرد و ۲۰۳ نفر (۴۹/۳ درصد) زن هستند. بیشترین میزان توزیع فراوانی در کل پاسخگویان مربوط به رده سنی ۲۱ تا ۲۵ سال با ۱۹۰ نفر (۷۱/۶ درصد) و کمترین میزان توزیع فراوانی مربوط به رده سنی ۳۱ سال و بالاتر با ۴۰ نفر (۹/۷ درصد) اختصاص دارد. میانگین سنی کل پاسخگویان ۲۴/۰۶ است. بیش از چهارپنجم پاسخگویان مجرد و کمتر از یک‌پنجم آنان متأهل‌اند. در مجموع، حدود ۶۰ درصد از پاسخگویان دانشجوی کارشناسی و حدود ۴۰ درصد باقی‌مانده دانشجوی تحصیلات تکمیلی‌اند. میانگین معدل کل پاسخگویان ۱۶/۶۲ است. ۹۲/۵ درصد از کل پاسخگویان متولد شهر و ۷/۵ درصد از آنان متولد روستا هستند. ۴۷/۸ درصد از پاسخگویان اهل تهران (بومی) هستند. بیش از نیمی از زنان پاسخگو بومی و بیش از ۶۰ درصد از مردان پاسخگو غیربومی‌اند.

جدول ۳، توزیع فراوانی و درصدی پاسخگویان برحسب نوع نگرش به مصرف مشروبات الکلی را به تفکیک جنسیت نشان می‌دهد. داده‌ها بیانگر آن است که ۵۵/۶ درصد از کل پاسخگویان نگرش مخالف، ۳۷/۱ درصد نگرش بینابین و ۷/۳ درصد نگرش موافق به مصرف مشروبات الکلی دارند. در مجموع، ۳۳ درصد از زنان، ۵۶ درصد از مردان و ۴۴ درصد از کل پاسخگویان، نگرش بینابین یا موافق به مصرف الکل دارند.

جدول ۳. توزیع فراوانی و درصدی پاسخگویان برحسب ابعاد نگرش به مصرف مشروبات الکلی به تفکیک جنسیت

جنسیت		زن		مرد		متغیر وابسته و ابعاد آن
کل	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
مخالف	۹۳	۴۴/۵	۱۳۶	۶۷	۲۲۹	نگرش به مصرف مشروبات الکلی
بینابین	۹۴	۴۵	۵۹	۲۹/۱	۱۵۳	
موافق	۲۲	۱۰/۵	۸	۳/۹	۳۰	
کل	۲۰۹	۱۰۰	۲۰۳	۱۰۰	۴۱۲	
مخالف	۹۴	۴۵	۱۴۲	۷۰	۲۳۶	بعد شناختی نگرش
بینابین	۹۱	۴۳/۵	۴۴	۲۱/۷	۱۳۵	
موافق	۲۴	۱۱/۵	۱۷	۸/۴	۴۱	
کل	۲۰۹	۱۰۰	۲۰۳	۱۰۰	۴۱۲	
مخالف	۱۰۷	۵۱/۲	۱۳۹	۶۸/۵	۲۴۶	بعد عاطفی نگرش
بینابین	۹۳	۴۴/۵	۵۸	۲۸/۶	۱۵۱	
موافق	۹	۴/۳	۶	۳	۱۵	
کل	۲۰۹	۱۰۰	۲۰۳	۱۰۰	۴۱۲	
مخالف	۹۶	۴۵/۹	۱۲۵	۶۱/۱	۲۲۱	بعد رفتاری نگرش
بینابین	۸۴	۴۰/۲	۵۷	۲۸/۱	۱۴۱	
موافق	۲۹	۱۳/۹	۲۱	۱۰/۳	۵۰	
کل	۲۰۹	۱۰۰	۲۰۳	۱۰۰	۴۱۲	

نتایج آزمون مقایسه میانگین (t) نگرش به مصرف مشروبات الکلی و ابعاد آن برحسب جنسیت در جدول ۴ آمده است. با توجه به سطح معناداری آزمون ($sig < 0/05$)، در میزان (میانگین) نگرش در تمامی ابعاد، میان مردان و زنان تفاوت وجود دارد و این تفاوت در سطح خطای کمتر از

۰/۰۱ و با اطمینان ۹۹ درصد معنادار است؛ به طوری که میانگین نگرش و ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری آن در مردان، به طور معناداری بیشتر از زنان است. به عبارت دیگر، مردان در مقایسه با زنان نگرش موافق تری به مصرف مشروبات الکلی دارند.

جدول ۴. آزمون مقایسه میانگین (t) متغیر وابسته (نگرش به مصرف مشروبات الکلی) و ابعاد آن بر حسب

جنسیت

متغیر	جنسیت	میانگین‌ها	آماره t	درجه آزادی
بعد شناختی نگرش	مرد	۱۳/۴۶	۴/۹۱**	۴۱۰
	زن	۹/۱۹		
بعد عاطفی نگرش	مرد	۱۱/۶۰	۳/۷۵**	۴۱۰
	زن	۸/۶۳		
بعد رفتاری نگرش	مرد	۱۳/۸۹	۳/۸۴**	۴۱۰
	زن	۱۰/۲۷		
نگرش	مرد	۳۸/۹۶	۴/۵۲**	۴۱۰
	زن	۲۸/۰۹		

** آماره t در سطح ۰/۰۱ معنادار است. تعداد مردان: ۲۰۹، تعداد زنان: ۲۰۳، دامنه: ۰ تا ۳۶

همچنین آزمون مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد افراد غیربومی در مقایسه با افراد بومی (تهرانی) از بعد شناختی و افراد مجرد در مقایسه با افراد متأهل، نگرش موافق تری به مصرف الکل دارند. تفاوت معناداری میان متولدان شهر و متولدان روستا، و ساکنان در شهر و ساکنان در روستا در میانگین نگرش به مصرف مشروبات الکلی وجود ندارد.

تحلیل رگرسیونی و بررسی تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته

با توجه به اینکه این تحقیق دارای مبنای نظری است، به منظور تبیین نگرش به مصرف مشروبات الکلی، از تحلیل رگرسیون به روش هم‌زمان استفاده شده است. بر این اساس، در هر مرحله برای تبیین متغیر وابسته و ابعاد آن، تمامی متغیرهای مستقل تحقیق، هم‌زمان وارد مدل شدند. در هر قسمت، احتمال تخطی از پیش فرض‌های رگرسیونی، وجود داده‌های عجیب و هم‌خطی شدن بررسی شد. بدین منظور، از آماره‌های متناسب که در برنامه SPSS در اختیار کاربر قرار دارد (مانند لورج^۱، کوک دیستنس^۲، دوربین واتسون^۳ و کیس وایز دیاگنوستیکس^۱) استفاده شد. مقدار آماره دوربین - واتسون

۱. Leverage
۲. Cook Distance
۳. Durbin-Watson

درمورد متغیر وابسته (نگرش به مصرف الکل) و ابعاد آن، نزدیک به ۲ است و بنابراین، باقیمانده‌ها یا خطاها مستقل از یکدیگرند. در بررسی هم‌خطی شدن، به‌ازای تمامی مدل‌های رگرسیونی، تمامی مقادیر، مربوط به آماره تولرانس بزرگ‌تر از ۰/۴ هستند. همچنین تمامی مقادیر مربوط به آماره عامل تورم واریانس (Vif) نیز کمتر از ۴ است. براین اساس، همبستگی بالایی میان متغیرهای مستقل وجود ندارد. داده‌های جدول ۵ بیانگر آن است که مقادیر آزمون F در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ و با اطمینان ۹۹ درصد معنادارند؛ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که مدل‌های رگرسیونی تحقیق مدل‌های خوبی هستند و مجموعه متغیرهای مبتنی بر نظریه انتخاب عقلانی (مستقل) قادرند نگرش به مصرف مشروبات الکلی و ابعاد آن (وابسته) را در کل جامعه آماری پیش‌بینی کنند. به‌عبارت دیگر، در تمامی مدل‌ها فرض صفر رد می‌شود و تمامی مدل‌ها معنادار است.

جدول ۵. خلاصه مدل سامری و آزمون آنوا برای تبیین نگرش به مصرف مشروبات الکلی و ابعاد آن

Sig	N	F	R ^۲ تعدیل شده	R ^۲	متغیر وابسته و ابعاد آن
۰/۰۰۰	۴۱۲	۱۲۴/۵۶۳	۰/۷۰۶	۰/۷۱۲	نگرش به مصرف الکل
۰/۰۰۰	۴۱۰	۹۵/۶۹۰	۰/۶۴۹	۰/۶۵۶	بعد شناختی نگرش
۰/۰۰۰	۴۰۸	۶۵/۵۹۸	۰/۵۵۹	۰/۵۶۸	بعد عاطفی نگرش
۰/۰۰۰	۴۱۱	۱۱۲/۶۳۰	۰/۶۸۵	۰/۶۹۱	بعد رفتاری نگرش

جدول ۶. تحلیل رگرسیونی تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته و ابعاد آن

مستقل		وابسته					
مجازات غیررسمی	بیمار منتهی‌گرایانه	دور	توسعه	مجازات رسمی	خودکنترلی	فرصت	سرمايه‌گذاری
۰/۴۳۳**	۰/۳۵۱**	-۰/۱۹۰**	-۰/۱۴۷**	۰/۰۹۹**	-۰/۰۷۸**	۰/۰۷۴**	۰/۰۵۰
۰/۴۳۸**	۰/۳۰۷**	-۰/۱۶۴**	-۰/۱۶۰**	۰/۰۴۸**	-۰/۰۳۴**	۰/۰۶۸**	۰/۰۶۱
۰/۳۳۰**	۰/۳۴۱**	-۰/۱۲۸**	-۰/۱۵۷**	۰/۰۲۷**	-۰/۱۱۰**	۰/۰۲۴**	۰/۰۳۲
۰/۵۳۷**	۰/۱۷۵**	-۰/۳۰۳**	-۰/۱۵۶**	۰/۱۵۸**	-۰/۰۵۲**	۰/۰۷۸*	۰/۰۳۷

* ضریب همبستگی (بتا) در سطح ۰/۰۵ معنادار است. ** ضریب همبستگی (بتا) در سطح ۰/۰۱ معنادار است.

با توجه به داده‌های جدول‌های ۵ و ۶، ضریب تعیین (R^2) مدل برای تبیین نگرش به مصرف الکل در کل پاسخگویان ۰/۷۱۲ و ضریب تعیین تعدیل‌شده (R^2_{adj})، ۰/۷۰۶ است که نشان می‌دهد ۷۱/۲ درصد از کل تغییرات میزان نگرش در بین پاسخگویان (نمونه) و ۷۰/۶ درصد از کل تغییرات میزان نگرش میان دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران (جامعه آماری) به وسیله هفت متغیر فوق توضیح داده می‌شود. قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های متغیر نگرش به مصرف مشروبات الکلی، به ترتیب متغیرهای مجازات غیررسمی (بتا=۰/۴۹۳-)، نیاز منفعت‌گرایانه (بتا=۰/۲۵۱)، باور (بتا=۰/۱۹۰-)، پیوستگی (بتا=۰/۱۴۷-)، مجازات رسمی (بتا=۰/۰۹۹-)، خودکنترلی (بتا=۰/۰۷۸-) و فرصت (بتا=۰/۰۷۴) هستند.

با توجه به ضرایب (R^2)، ۶۵/۶ درصد از تغییرات متغیر بعد شناختی نگرش، ۵۶/۸ درصد از تغییرات متغیر بعد عاطفی نگرش و ۶۹/۱ درصد از تغییرات متغیر بعد رفتاری نگرش به وسیله متغیرهای مستقل تحقیق پیش‌بینی می‌شود. در مجموع، با مقایسه ضرایب تعیین، قدرت تبیین رگرسیونی به ترتیب در نگرش به مصرف الکل، بعد رفتاری، بعد شناختی و بعد عاطفی نگرش دارای بیشترین مقدار است.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش، با هدف بررسی نگرش دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران به مصرف الکل از دیدگاه نظریه انتخاب عقلانی انجام گرفت. در این تحقیق، علاوه بر توصیف نگرش دانشجویان به مصرف مشروبات الکلی، به دنبال تبیین عوامل اجتماعی مؤثر بر نوع نگرش دانشجویان به مصرف مشروبات الکلی بر اساس متغیرهای انتخاب عقلانی بودیم تا سهم هر یک از متغیرهای مستقل را شناسایی و تعیین کنیم.

یافته‌های توصیفی پژوهش نشان داد که ۵۵/۶ درصد از پاسخگویان نگرش مخالف، ۳۷/۱ درصد نگرش بینابین و ۷/۳ درصد نگرش موافق به مصرف مشروبات الکلی دارند. این مقادیر در پژوهش مشابهی که علیوردی‌نیا و همی (۱۳۹۲) در سال تحصیلی ۱۳۸۹-۱۳۹۰ در میان دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران انجام دادند، به ترتیب ۳۹/۴، ۴۶/۸ و ۱۳/۸ درصد بود. براین اساس، با گذشت حدود چهار سال، در نگرش مخالف افزایش و در نگرش بینابین و موافق کاهش داشته‌ایم. به عبارت دیگر، نگرش دانشجویان به مصرف مشروبات الکلی

مخالف‌تر شده است. با مراجعه به تحقیق علیوردی‌نیا و همتی (۱۳۹۲) درمی‌یابیم که بیشترین میزان (۵۰ درصد) از کل پاسخگویان در سنین ۲۱ تا ۲۵ سال بوده‌اند. پژوهش حاضر پس از گذشت چهار سال در بازه سنی ۲۶ تا ۳۰ سال، یافته‌هایی مشابه تحقیق آنان را نمایان می‌سازد؛ به طوری که به ترتیب ۳۳/۸، ۵۱/۹ و ۱۴/۳ درصد از پاسخگویان گرایش کم، متوسط و زیاد به مصرف مشروبات الکلی داشته‌اند. همچنین آزمون مقایسه میانگین‌ها نشان داد که مردان در مقایسه با زنان، در تمامی ابعاد نگرش موافق‌تری به مصرف الکل دارند. این نتیجه در راستای پژوهش‌های قبلی به‌ویژه شیخی‌فینی و همکاران (۱۳۸۹)، علیوردی‌نیا و همکاران (۱۳۹۲؛ الف) و علیوردی‌نیا و همتی (۱۳۹۲) است.

در پژوهش حاضر، برای بررسی دقیق‌تر نگرش به مصرف مشروبات الکلی و تأثیر متغیرهای مستقل بر این نگرش و ابعاد آن، از تحلیل‌های رگرسیونی چندگانه استفاده شد. نتایج نشان داد که در بعد شناختی نگرش، به ترتیب چهار متغیر مجازات غیررسمی، نیاز منفعت‌گرایانه، باور و پیوستگی، در بعد عاطفی به ترتیب پنج متغیر نیاز منفعت‌گرایانه، مجازات غیررسمی، پیوستگی، باور و خودکنترلی، و در بعد رفتاری به ترتیب شش متغیر مجازات غیررسمی، باور، نیاز منفعت‌گرایانه، مجازات رسمی، پیوستگی و فرصت، تأثیر معناداری بر متغیر وابسته دارند. تمامی متغیرهای مستقل تحقیق به‌استثنای متغیر سرمایه‌گذاری، تأثیر معناداری بر نگرش به مصرف الکل دارند؛ به گونه‌ای که بیشترین تأثیر به ترتیب به مجازات غیررسمی، نیاز منفعت‌گرایانه، باور، پیوستگی، مجازات رسمی، خودکنترلی و فرصت تعلق یافته است. براین اساس، چهار متغیر مجازات غیررسمی، نیاز منفعت‌گرایانه، باور و پیوستگی با نگرش و تمامی ابعاد آن، ارتباط معناداری داشته‌اند. همچنین متغیر خودکنترلی، تنها در نگرش به مصرف الکل و بعد عاطفی آن و متغیر فرصت، تنها در نگرش به مصرف الکل و بعد رفتاری آن دارای تأثیر معنادار بر متغیر وابسته بوده است. متغیرهای این پژوهش به ترتیب ۷۱، ۶۶، ۵۷ و ۶۹ درصد از نوسانات نگرش به مصرف مشروبات الکلی، بعد شناختی، عاطفی و رفتاری نگرش را در کل پاسخگویان توضیح می‌دهد.

یافته‌های تحقیق نشان داد که رابطه‌ای معکوس و معنادار میان پیوستگی و نگرش موافق دانشجویان به مصرف الکل وجود دارد. به عبارت دیگر، هرچه میزان پیوستگی اجتماعی در فرد افزایش یابد، میزان نگرش موافق او به مصرف مشروبات الکلی کاهش پیدا می‌کند. این نتیجه، در راستای پژوهش‌های پیشین از جمله علیوردی‌نیا و همکاران (۱۳۹۲) و الف) و همتی (۱۳۹۲) است. مقصود هیرشی از پیوستگی، میزان دلبستگی فرد به دیگران است. به‌مرور که فرد به

دیگران دلبسته می‌شود، احتمال بزه‌کار شدن او کاهش می‌یابد. نخستین پیوستگی‌ها و تعامل‌ها با والدین و به‌دنبال آن با دوستان، معلمان، رهبران مذهبی و سایر اعضای جامعه بروز می‌کند (هیرشی، ۱۹۶۹). براین اساس، هرچه فرد مورد توجه والدین و معلمان واقع شود و احساس کند که درک می‌شود، روابط صمیمی با آنان داشته باشد، به نظرهای آنان توجه کند و به عقایدشان احترام بگذارد، احتمال انحراف در او کاهش می‌یابد. مذهب نیز به‌عنوان یکی از نهادهای مهم و اساسی جامعه، به‌ویژه در ایران، با توجه به پیشینه فرهنگی و تاریخی آن قابل توجه است. براین اساس، هرچه فرد خود را دلبسته خداوند بداند، از کسب رضایت او احساس لذت و شادی کند و با ارتکاب گناه احساس عذاب وجدان کند، به احتمال کمتری به اعمال بزهکارانه روی می‌آورد.

همچنین یافته‌ها نشانگر وجود رابطه مستقیم و معنادار میان فرصت و نگرش موافق دانشجویان به مصرف الکل است. به این معنا که با افزایش فرصت‌های انحرافی، میزان نگرش موافق دانشجویان به مصرف مشروبات الکلی افزایش می‌یابد. پژوهش‌های قبلی از جمله سیپل و ایفلر (۲۰۱۰)، و علیوردی‌نیا و همکاران (۱۳۹۰) نیز نشان دادند که با افزایش فرصت‌های انحرافی، میزان رفتارهای انحرافی نیز افزایش می‌یابد. مفهوم فرصت این واقعیت ساده را بیان می‌کند که رفتار مجرمانه، تنها زمانی اتفاق می‌افتد که فرصت انجام‌دادن آن وجود داشته باشد (سیپل و ایفلر، ۲۰۱۰)؛ بنابراین، در پژوهش حاضر می‌توان نتیجه گرفت که کاهش نظارت دولت و دانشگاه در زمینه مصرف الکل، کاهش مراقبت خانواده از فرزندان، افزایش هم‌نشینی و مشارکت آنان با دوستانی که مصرف‌کننده مشروبات الکلی هستند و دسترسی راحت، سریع و آسان آنان به مشروبات الکلی، به افزایش فرصت‌های رسمی، غیررسمی و واقعی آنان درمورد مشروبات الکلی منجر می‌شود و درنهایت، دانشجویان نگرش موافق‌تری به مصرف الکل پیدا می‌کنند.

براساس یافته‌های پژوهش، رابطه‌ای معکوس و معنادار میان مجازات غیررسمی و نگرش موافق دانشجویان به مصرف الکل وجود دارد. این یافته، همسو با تحقیقات پیشین از جمله بچمن و همکاران (۱۹۹۲)، تیبیس (۱۹۹۷؛ ۱۹۹۹)، تیبیس و میرز (۱۹۹۹)، هالت و همکاران (۲۰۱۴) و علیوردی‌نیا و همکاران (۱۳۹۰) است. به‌عبارت دیگر، با افزایش مجازات غیررسمی، میزان نگرش موافق دانشجویان به مصرف مشروبات الکلی کاهش می‌یابد. در این تحقیق، مجازات غیررسمی با بتای ۰/۴۹۳- دارای بیشترین قدرت تبیین‌کنندگی نگرش به مصرف مشروبات الکلی است. احتمال و شدت مجازات، از جمله مواردی است که در ارزیابی راه‌حل‌های قانونی و غیرقانونی برآوردن نیازهای تعمیم‌یافته افراد توسط آنان مورد ملاحظه است (وینفری، ۱۳۸۸). اگر فرد به‌دلیل وحشت

از سرزنش اجتماعی دیگران، ترس از شرمساری و طردشدن از سوی دیگران، یا به دلیل وحشت از مجازات و تنبیه‌های خودخواسته- که با احساس گناه و شرم همراه است- از ارتکاب جرم بازداشته شود، به خاطر ترس از مجازات غیررسمی و نه رسمی، عمل مجرمانه را مرتکب نشده است (میلر، ۲۰۰۹). با توجه به تبیین نظری فوق، هرچه شدت و قطعیت ادراک‌شده مجازات غیررسمی در فرد، چه با احساس شرم و گناه از درون و چه با طردشدن از سوی خانواده یا دوستان از بیرون افزایش یابد، میزان نگرش به مصرف الکل در او کاهش پیدا می‌کند.

برخلاف انتظار، نتایج آزمون فرضیه، وجود رابطه مستقیم و معنادار میان مجازات رسمی و نگرش موافق به مصرف مشروبات الکلی را نشان داد. وجود این رابطه مستقیم و معنادار جای تأمل دارد. در اینجا دو احتمال قابل بررسی است: اول وجود ابهام برای پاسخگو در گویه‌های مقیاس مربوط به مجازات رسمی که با وجود آفای کروناخ مقیاس ۰/۸۷۵ چندان قابل اتکا نیست و دوم درست بودن نتیجه مبنی بر وجود رابطه مستقیم میان مجازات رسمی و نگرش به مصرف الکل. از آنجاکه نظریه انتخاب عقلانی هم جرم‌محور است و هم مجرم‌محور، در تبیین این نتیجه نیز باید شرایط فرهنگی و اجتماعی جامعه ایران را متناسب با موضوع مورد بررسی در نظر گرفت. گاهی در پاسخنامه‌ها، پاسخگویان با حاشیه‌نویسی در صفحات، بر لزوم آزادی‌اندیشه و تفکر تأکید کرده بودند. براساس نتایج این تحقیق، دانشجویانی که میزان مجازات رسمی ادراک‌شده در آنان بیشتر بود، نگرش مثبت‌تری به مصرف الکل داشتند و برعکس. به عبارت دیگر، از نظر افرادی که نگرش مثبت‌تری به الکل دارند، همان مقدار مجازات رسمی هم زیاد است. در عوض دانشجویانی که نگرش منفی‌تری به مصرف الکل دارند، همان مقدار مجازات موجود را کمتر ادراک کرده‌اند و میزان آن را کم می‌دانند. تحقیقات پوگارسکی (۲۰۰۷) و رایت و همکاران (۲۰۰۴) نشان داد برای کسانی که تمایل مجرمانه کمتری دارند (برای مثال، میزان خودکنترلی و سایر صفات مطلوب شناختی در آنها بالاست) یا به دلایل دیگری به جز تنبیه و مجازات (رسمی)، به انجام دادن اعمال مجرمانه بی‌میل‌اند، ممکن است ادراک از مجازات کمترین میزان اهمیت را داشته باشد (میمن و همکاران، ۲۰۱۲: ۵۰۱). در این پژوهش، میزان خودکنترلی در حدود ۶۰ درصد از پاسخگویان در حد متوسط و در نزدیک به ۳۰ درصد آنان در حد زیاد بود. از سوی دیگر، درمورد پیشگیری از جرم ممکن است هزینه‌های پنهانی نیز وجود داشته باشد که کارایی و بازدهی این قبیل اقدامات را کاهش دهد. همچنین برنامه‌های کاهش جرم ممکن است تأثیر بومرنگی داشته باشد و به جای کاهش پتانسیل جرم، آن را افزایش دهد (سیگل، ۲۰۰۸)؛ بنابراین، در پژوهش حاضر، افزایش مجازات‌های رسمی به‌تنهایی ممکن است تأثیر

معکوس داشته باشد و به افزایش نگرش موافق به مصرف الکل منجر شود و به این ترتیب، پتانسیل اقدام به مصرف آن را افزایش دهد.

یافته‌های تحقیق بیانگر وجود رابطه معکوس و معنادار میان باورهای اخلاقی و نگرش موافق دانشجویان به مصرف الکل در تمامی ابعاد نگرش است. براین اساس، با تقویت باورهای اخلاقی پاسخگویان، از میزان نگرش موافق آنان به مصرف الکل کاسته می‌شود. این یافته در راستای پژوهش‌های پیشین از جمله بچمن و همکاران (۱۹۹۲)، تیتس (۱۹۹۹)، بکر و ملکوپ (۲۰۰۶) و ملکوپ و گراف (۲۰۱۰) است. براساس مطالعات گذشته، باورهای اخلاقی افراد، تصمیم‌گیری و قصد برای منحرف‌شدن را کاهش می‌دهد (تیتس، ۱۹۹۹). این هنجارها و باورهای اخلاقی، مانند فیلتر رفتارهایی را که در تضاد آشکار با این هنجارهاست، حذف می‌کند. از این رو، تأثیر منفعت ارتکاب جرم، با درجه بالایی از درونی‌شدن هنجارها کاهش می‌یابد (ملکوپ و گراف، ۲۰۱۰)؛ بنابراین، هرچه فرد به قواعد و هنجارهای اجتماعی احترام بگذارد و دربرابر آن نوعی تعهد اخلاقی احساس کند، کمتر احتمال دارد که به سمت مصرف الکل گرایش یابد.

یافته‌های پژوهش حاضر، بر وجود رابطه معکوس و معنادار میان خودکنترلی و نگرش موافق دانشجویان به مصرف الکل دلالت دارد. به عبارت دیگر، با افزایش میزان خودکنترلی، نگرش موافق دانشجویان به مصرف الکل کاهش می‌یابد. این یافته در راستای پژوهش‌های قبلی به‌ویژه نیگین و پاترنوستر (۱۹۹۳)، تیتس و میرز (۱۹۹۹)، و علیوردی‌نیا و یونسی (۱۳۹۳) بوده است. به عقیده گانفردسون و هیرشی، افرادی که خودکنترلی کمی دارند، به احتمال کمتری عواقب رفتارشان را در نظر می‌گیرند. همچنین پژوهش‌های بسیاری نشان داده‌اند که افراد با خودکنترلی پایین، به احتمال بیشتری به انجام دادن اقدامات مجرمانه تمایل دارند و در رفتارهای بی‌تدبیرانه درگیر می‌شوند؛ چراکه چنین افرادی تمایل روزافزونی به هیجان دارند؛ درحالی‌که عواقب درازمدت ممکن عمل مجرمانه را در نظر نمی‌گیرند (تیتس و میرز، ۱۹۹۹).

براساس یافته‌های تحقیق حاضر، رابطه‌ای مستقیم و معنادار میان نیازهای منفعت‌گرایانه و نگرش موافق به مصرف مشروبات الکلی وجود دارد. بدین معنا که با افزایش میزان نیازهای منفعت‌گرایانه در میان دانشجویان، نگرش آنان به مصرف الکل موافق‌تر می‌شود. این یافته، مطابق با تحقیقات آگنیو (۱۹۹۰)، بیکر و پی‌کیورو (۲۰۱۰)، سیپل و ایفلر (۲۰۱۰)، علیوردی‌نیا و همکاران (۱۳۹۰) است. نیاز منفعت‌گرایانه، دومین متغیر پس از مجازات غیررسمی است که بر نگرش و تمامی ابعاد آن، قوی‌ترین تأثیر معنادار را دارد. در نظریه انتخاب عقلانی، انگیزه مجرم در ارتکاب

جرم، در واقع تلاشی برای رفع نیازهای عادی است (ویلیامز و مک‌شین، ۱۳۹۱). کورنیش و کلارک (۱۹۸۶) بیان می‌کنند که افراد براساس اینکه تا چه حد انتخاب‌هایشان با افزایش سود و کاهش هزینه همراه است، تصمیم‌گیری‌های عقلانی را انجام می‌دهند. در واقع، منفعت محصول هزینه‌ها و فایده‌های حاصل از جایگزین‌های متفاوت اقداماتی است که یک نیاز را برآورده می‌سازد (میلر، ۲۰۰۹: ۲۳۹). به‌زعم اگنیو (۱۹۹۰) باید توجه داشت که منافع جرم، تنها اقتصادی نیست و ممکن است اشکال متنوع دیگری را شامل شود؛ بنابراین، فرد می‌تواند جرم را به‌خاطر صرفه‌جویی در زمان و انرژی یا برطرف کردن نیازش انجام دهد (اگنیو، ۱۹۹۰: ۲۷۴). در پژوهش حاضر، با توجه به ویژگی‌های جرم مورد بررسی (مصرف الکل)، دو بعد نیازهای روانی و اجتماعی در مورد نیازهای منفعت‌گرایانه در نظر گرفته شد. مطابق یافته‌ها، هرچه نیازهای منفعت‌طلبانه اجتماعی (مانند نیاز به تأیید، رابطه، تعلق و حمایت اجتماعی) و روانی (مانند نیاز به آرامش، کنجکاوی، هیجان، لذت و سرگرمی) در فرد افزایش یابد، احتمال اینکه نگرش او به مشروبات الکلی موافقتر شود، بیشتر می‌شود.

بنابر یافته‌های پژوهش حاضر و بر مبنای متغیرهای مبتنی بر نظریه انتخاب عقلانی، مخالف‌تر شدن نگرش دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران به مصرف الکل طی چهار سال گذشته را می‌توان با افزایش مجازات غیررسمی، کاهش نیاز منفعت‌گرایانه، افزایش باورهای اخلاقی، افزایش پیوستگی، افزایش خودکنترلی و کاهش فرصت تبیین کرد.

منابع

- آقامحمدیان، حمیدرضا و رسول‌زاده طباطبایی، کاظم (۱۳۸۱)، روان‌شناسی اجتماعی سلامتی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- بیرو، آلن (۱۳۷۰)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان.
- دواس، دی‌ای (۱۳۹۳)، پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نابی، تهران: نشر نی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، دائرةالمعارف علوم اجتماعی، تهران: کیهان.
- ستاد مبارزه با مواد مخدر (۱۳۸۴)، نگرش ایرانیان به مصرف مواد مخدر یافته‌های پیمایش در کشور، دبیرخانه ستاد مبارزه با مواد مخدر: رسانش.
- سراج‌زاده، سیدحسین و فیضی، ایرج (۱۳۸۶)، «عوامل اجتماعی مؤثر بر مصرف تریاک و مشروبات الکلی در بین دانشجویان»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۱: ۸۱-۱۰۲.

- سهرابی، فرامرز؛ هادیان، مینا؛ دائمی، حمیدرضا و نژادفرید، علی اصغر (۱۳۸۷)، «اثربخشی برنامه آموزشی رفتارهای سالم در نگرش دانشجویان نسبت به سوء مصرف مواد»، *مجله علوم رفتاری*، شماره ۵: ۲۰۹-۲۲۰.
- شیخی فینی، علی اکبر؛ کاووسیان، جواد و رضانی، ولی الله (۱۳۸۹)، «عوامل خطر و محافظت کننده گرایش به مصرف مواد در دانشجویان»، *پژوهش در سلامت روان شناختی*، شماره ۳: ۳۷-۴۷.
- طارمیان، فرهاد؛ بوالهری، جعفر؛ پیروی، حمید و قاضی طباطبایی، محمود (۱۳۸۶)، «شیوع مصرف مواد در میان دانشجویان شهر تهران»، *مجله روان پزشکی و روان شناسی بالینی ایران*، شماره ۵۱: ۳۳۵-۳۴۲.
- علیوردی نیا، اکبر (۱۳۹۰)، *جامعه شناسی کارتن خوابی*، تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- علیوردی نیا، اکبر؛ ابراهیمی، قربانعلی و صالح نژاد، صالح (۱۳۹۰)، «بررسی جامعه شناختی تأثیر انتخاب های عقلانی بر رفتارهای انحرافی: مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه ارومیه»، *مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران*، شماره ۵ و ۶: ۱۴۳-۱۶۸.
- علیوردی نیا، اکبر؛ جانعلیزاده چوب بستنی، حیدر و توحیدیان، رقیه (۱۳۹۲)، «تأثیر برجسب زنی بر گرایش دانشجویان به رفتار انحرافی»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، شماره ۲ (پیاپی ۲۲): ۶۷-۹۰.
- علیوردی نیا، اکبر؛ شارع پور، محمود و مرادی، فاطمه (۱۳۹۲ الف)، «بررسی تأثیر خودکنترلی و پیوند اجتماعی بر نگرش دانشجویان نسبت به مصرف الکل»، *فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی*، شماره ۴: ۶۹-۹۷.
- علیوردی نیا، اکبر و همتی، اعظم (۱۳۹۲)، «تحلیل اجتماعی گرایش به مصرف مشروبات الکلی در میان دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران»، *فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی*، شماره ۷: ۷۷-۱۰۲.
- علیوردی نیا، اکبر و یونسی، عرفان (۱۳۹۳)، «تأثیر میزان خودکنترلی بر ارتکاب جرم در میان دانشجویان»، *راهبرد فرهنگ*، شماره ۲۶: ۹۳-۱۱۸.
- کاووسیان، جواد؛ شیخ فینی، علی اکبر؛ حاتمی، محمد و مردانی، حمید (۱۳۹۰)، «بررسی عوامل حفاظت کننده و خطرزای مصرف مواد (تریاک، مشروبات الکلی، سیگار و قلیان) در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی بندرعباس»، *فصلنامه دانش انتظامی*، شماره ۵۳: ۱۸۱-۲۰۸.
- کریمی، یوسف (۱۳۹۰)، *روان شناسی اجتماعی (نظریه ها، مفاهیم و کاربردها)*، تهران: ارسباران.
- کلمن، ورنان (۱۳۷۹)، *اعتیاد چیست و معتاد چیست*، ترجمه محمدرضا میرفخرایی، تهران: واحدی.

- ویلیامز، فرانک پی. و مک‌شین، ماری لین دی. (۱۳۹۱)، **نظریه‌های جرم‌شناسی**، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، تهران: میزان.
- وینفری، توماس آل. (۱۳۸۸)، **نظریه‌های جرم‌شناسی**، ترجمه سیدرضا افتخاری، گناباد: دانشگاه آزاد اسلامی.
- Agnew, R. (1990), The Origins of Delinquent Events: An Examination of Offender Accounts **Journal of Research in Crime and Delinquency**, No 27(3): 267-294.
- Antonaccio, O. (2008), **Theoretical Investigation of the Causes of Juvenile Delinquency in Ukraine: Toward Integration of Classic Strain and Control Theories (Doctoral dissertation)**, North Carolina State University, Retrieved from <http://repository.lib.ncsu.edu/ir/handle/1840.16/3310>.
- Bachman, R., Paternoster, R. and Ward, S. (1992), The Rationality of Sexual Offending: Testing a Deterrence/Rational Choice Conception of Sexual Assault **Law and Society Review**, No 26(2): 343-372.
- Baker, T. and Piquero, A. R. (2010), Assessing the Perceived Benefits of Criminal Offending Relationship **Journal of Criminal Justice**, No 38(5): 981-987.
- Becker, R. and Mehlkop, G. (2006), Social Class and Delinquency An Empirical Utilization of Rational Choice Theory with Cross-Sectional Data of the 1990 and 2000 German General Population Surveys (ALLBUS) **Rationality and Society**, No 18(2): 193-235.
- Birks, D., Townsley, M. and Stewart, A. (2014), Emergent Regularities of Interpersonal Victimization an Agent-Based Investigation, **Journal of Research in Crime and Delinquency**, No 51(1): 119-140.
- Bouffard, J. A. (2007), Predicting Differences in the Perceived Relevance of Crime's Costs and Benefits in a Test of Rational Choice Theory **International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology**, No 51(4): 461-485.
- Cornish, D. B. and Clarke, R. V. (Eds.). (1986), **The Reasoning Criminal: Rational Choice Perspectives on Offending**, New York: Springer-Verlag.
- Craigs, C. L., Bewick, B. M., Gill, J. S., and O'May, F. (2012) UK Student Alcohol Consumption: A Cluster Analysis of Drinking Behaviour Typologies **Health Education Journal**, No 71(4): 516-526.
- Grasmick, H. G. and Bursik Jr, R. J. (1990), Conscience, Significant Others, and Rational Choice: Extending the Deterrence Model **Law and Society Review**, No 24(3): 837-861.
- Grasmick, H. G., Tittle, C. R., Bursik, R. J. and Arneklev, B. J. (1993), Testing the Core Empirical Implications of Gottfredson and Hirschi's General Theory of Crime, **Journal of Research in Crime and Delinquency**, No 30(1): 5-29.
- Hemmens, C. and Walsh, A. (2008), **Introduction to criminology: A text/reader**, LA: Sage Publications.

- Hirschi, T. (1969), **Causes of Delinquency**, Berkeley, CA: University Of California.
- Holt, T. J., Blevins, K. R. and Kuhns, J. B. (2014), Examining Diffusion and Arrest Avoidance Practices Among Johns **Crime & Delinquency**, No 60(2): 261-283.
- Lewis, T. F., Likis-Werle, E. and Fulton, C. L. (2012), Modeling Alcohol Use Intensity among Students at a Historically Black University: The Role of Social Norms, Perceptions for Risk, and Selected Demographic Variables , **Journal of Black Psychology**, No 38(3): 368-390.
- Maimon, D., Antonaccio, O. and French, M. T. (2012), Severe Sanctions, Easy Choice? Investigating the Role of School Sanctions in Preventing Adolescent Violent Offending **Criminology**, No 50(2): 495-524.
- Mason, A. and Monk-Turner, E. (2010), Factors Shaping the Decision of College Students to Walk or Drive Under the Influence of Alcohol: A Test of Rational Choice Theory **Drugs: Education, Prevention and Policy**, No 17(5): 560-572.
- Matsueda, R. L., Kreager, D. A. and Huizinga, D. (2006), Detering Delinquents: A Rational Choice Model of Theft and Violence **American Sociological Review**, No 71(1): 95-122.
- Mehlkop, G. and Graeff, P. (2010), Modelling a Rational Choice Theory of Criminal Action: Subjective Expected Utilities, Norms, and Interactions **Rationality and Society**, No 22(2): 189-222.
- Miller, J. M. (Ed.). (2009), **21st Century Criminology: A Reference Handbook** (Vol. 1), SAGE Publications.
- Nagin, D. S. and Paternoster, R. (1993), Enduring Individual Differences and Rational Choice Theories of Crime , **Law and Society Review**, No 27(3): 467-496.
- National Center on Addiction and Substance Abuse (NCASA), at Columbia University and Califon, J. A. (2007), **Wasting The Best and The Brightest: Substance Abuse at America's Colleges and Universities**, CASA.
- Paternoster, R. (1989), Decisions to Participate in and Desist from Four Types of Common Delinquency: Deterrence and the Rational Choice Perspective , **Law and Society Review**, No 23(1): 7-40.
- Perry, A. (1973), The effect of heredity on attitudes toward alcohol, cigarettes, and coffee **Journal of Applied Psychology**, No 58(2): 275-277.
- Petraitis, J., Flay, B. R. and Miller, T. Q. (1995), Reviewing Theories of Adolescent Substance Use: Organizing Pieces in the Puzzle , **Psychological Bulletin**, No 117(1): 67-86.
- Piliavin, I., Gartner, R., Thornton, C. and Matsueda, R. L. (1986), Crime Deterrence, and Rational Choice , **American Sociological Review**, No 51(1): 101-119.
- Siegel, Larry J. (2008), **Criminology, Theories, Patterns, and Typologies**, tenth Edition, USA: Wadsworth, Cengage Learning.
- Seipel, C. and Eifler, S. (2010), Opportunities, Rational Choice, and Self-Control on the Interaction of Person and Situation in a General Theory of Crime , **Crime & Delinquency**, No 56(2): 167-197.

- Sung, H. E. and Richter, L. (2007), Rational Choice and Environmental Deterrence in the Retention of Mandated Drug Abuse Treatment Clients , **International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology**, No 51(6): 686-702.
- Thompson, E. B., Heley, F., Oster-Aaland, L., Stastny, S. N. and Crawford, E. C. (2013), The Impact of a Student-Driven Social Marketing Campaign on College Student Alcohol-Related Beliefs and Behaviors **Social Marketing Quarterly**, No 19(1): 52-64.
- Tibbetts, S. G. (1997), Shame and Rational Choice in Offending Decisions , **Criminal Justice and Behavior**, No 24(2): 234-255.
- Tibbetts, S. G. and Myers, D. L. (1999), Low Self-Control, Rational Choice, and Student Test Cheating **American Journal of Criminal Justice**, No 23(2): 179-200.
- Ward, D. A., Stafford, M. C. and Gray, L. N. (2006), Rational choice, deterrence, and theoretical integration **Journal of Applied Social Psychology**, No 36(3), 571-585.

